

دولت کارآفرین

ترجمه و تالیف علی بهمانگری

چکیده

کارآفرینی، رفتارها و فعالیت‌های ریسک پذیر و خلاق و استفاده از فرصت‌هاست و کارآفرینان نیز افرادی‌اند که ضمن ریسک پذیری، فرصت‌ها را شنیت می‌نمایند و با اتکا به ایده‌ها و تجربه‌های خود راه‌های نوین را برای سودآوری جستجو می‌کنند.

در این مقاله، موضوع کارآفرینی به معنی اعم آن بحث می‌شود و نیز درباره کارآفرینی در بخش دولتی و دولت کارآفرین و ماهیت بخش دولتی و تغییرات به وجود آمده در نظام‌های دولتی - به خصوص در کشورهای نوین آسیایی توضیحاتی ارائه می‌شود. انتظار مردم از دولت‌ها در مقایسه با بخش خصوصی و نحوه ایجاد فعالیت‌ها و رفتارهای کارآفرینی از دیدگاه دانشمندان مدیریتی از دیگر موارد توضیح داده شده در این نوشتار است. در ادامه، توصیه‌هایی نیز در جهت کارآفرینی بخش دولتی برای رافع مشکلات بوروکراتیک و کارآمد کردن دولت و کارگزاران دولتی ارائه و فرایند کارآفرینی در بخش دولتی تسریح می‌شود.

مقدمه

کارآفرینان افرادی‌اند که با وجود ریسک، فرصت‌ها را شنیت می‌نمایند و در عرصه بررسی راهی برای کسب سود باشند. و بجایزه کانتیلون کارآفرینی را نقش فرد در بازار تجاری یا در نظر گرفتن میل و توانایی او برای ریسک کردن در خرید ارزان و فروش مناسب می‌داند. ویسی نیز معتقد است که کارآفرینان در دوره تئیس و مخاطره منابع را تخصیص مجدد می‌کنند تا سطح سود کارآفرینی آنها در بازار حداکثر شود. (Inger Boyett, 1997).

سیسی^{۱۱} کارآفرینی را به این‌کافر ربط می‌دهد و شومیتز^{۱۲} کارآفرینان را عاملان تغییر می‌داند، جوزف اقتصاد دانی جوانه به کارآفرینان به عنوان رهبری کننده عدم توازن اقتصادی و ایجاد کننده ترکیبات جدید تولید نگاه می‌کند و کارآفرینی و انیزوی کاهنده عوامل مخرب خلق کنندگی به حساب می‌آورد. از دیدگاه شومیتز، محرک‌های سیستم‌های

گروهی از دانشمندان، متقد وریس و جیگر^{۱۳} تعریف می‌کنند که عبارت کارآفرینی از کلمه فرانسوی اینترپرنتر^{۱۴} که به معنی وارد شدن در (enter into) و به عهد گرفتن (undertake) اخذ شده است. محققان کلمه کارآفرینی را با استفاده از منطق و روش‌شناسی و رشته علمی خودشان تعریف می‌کنند. هیچ دیدگاه عمومی وجود ندارد تا چشم‌اندازهای مختلف را با هم ترکیب کنند. بینگلدان این زمینه مطالعاتی فیلون، سیسی، و کانتیلون^{۱۵} مدعی‌اند که اختصاص مجلد منابع از حوزه‌های بالنسب کم‌بهره‌ور به حوزه‌های با بهره‌وری زیاد علمی تسهیل کننده برای توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. کانتیلون و سیسی، کارآفرینان را ریسک کننده می‌دانند، از نظر کانتیلون کارآفرینی از سود بین قیمت خرید مشخص و قیمت فروش

است که اقدام‌های کارآفرینانه به طور منطقی شبیه سازی شود زیرا دولتها در سراسر جهان در بخش‌های عمومی از فقدان رفتارهای کارآفرین اظهار تأسف می‌کنند. نوشته‌هایی که در این زمینه وجود داده پراکنده و فاقد هرگونه توسعه و ترکیب پارادایم‌های تحقیقی چند رشته‌ای هستند.

بعضی از نویسندگان از قبیل ماکرله، بک اف، نات^(۸) معتقد بودند که کارآفرینی بخش عمومی به طور مشخص بیشتر همانند بخش بازرگانی است و رفتار کارآفرینی در بخش عمومی مترادف با رفتار تجاری است. اما نظریه دیگر این است که کارآفرینی در بخش عمومی از کارآفرینی تجاری متفاوت است. کارآفرینی بخش عمومی ضرورتاً در جستجوی ثروت نیست و هدف نهایی آن همیشه به دست آوردن پول نیست.

دو نوامبر ۱۹۹۶ پیت روس^(۹) معاون وزیر خلعاعات عمومی استرالیا اعلان کرد که اینکارد در مدیریت امور عمومی و پیگیری برای ایجاد فرهنگ خلاق، به ارتقای عملکرد و اینکارد منجر می‌شود. به نظر وی دولت لزوماً باید ساختار کاری، سیستم و فرهنگ را ایجاد کند که بر نوآوری تأکید کند. پیت در اکثر اظهارات می‌دارد که اینکاردهای اجتنامی بزرگ مستلزم همزمان شدن با اقتصاد صنون است که بتوان سیاست‌های اجتنامی و مؤسسات قضایی ارائه دهند. خلعاعات عمومی را به طور منظم جهت واگذاری سازماندهی کرد. به نظر او کارآفرینی بیشتر در بخش عمومی بوده است تا در بخش خصوصی.

طبق یافته‌های دراکر، ایجاد منابع بالقوه نوآوری، به دلیل فرصت‌های متکرره شامل موفقیت‌های غیر منظره، عدم ترفی، رویدادهای محیطی، عدم تناسب بین آنچه که هست و آنچه که در دست می‌شود، نوآوری جنبی بر نیازها، تغییرات در ساختار صنعت و بازار، تغییرات دموگرافیک، تغییر در ادراک، استبدال، فکر، و دانش جدید بوده است که از نظر بازرگانی این فرصت‌ها ممکن است با صرفه نباشد اما می‌تواند به بک ارزش جدید تبدیل و به عنوان مجموعه هدف‌های پویا برای مؤسسات عمومی در نظر

می‌دهد که شانس خود را برای اجرای عقاید جدید آزمایش می‌کند تا ضمن نوآوری آنها را تجربه کند و توسعه دهند. نویسندگان متعاقب شومینتر، مانند آنسوف (Ansof, 1979) و کرزینر (Kizner)، وجود کارآفرینی را عامل هویشاری در مقابل فرصت‌های منافع استفاده نشده می‌دانند و سرانجام دراکر کارآفرینی را در دست کردن برای تغییر می‌داند و کارآفرینان را فردی می‌داند که همیشه به دنبال تغییرات است و به آن پاسخ می‌دهد. پا به آن به عنوان فرصت نگاه می‌کند.

کارآفرینی پدیدهای استراتژیک است؛ رفتار نیست بلکه فعالیت به حساب می‌آید. علی‌رغم اینکه این پدیده به عنوان نیروی هدایت کننده تحول مدیریت محسوب می‌شود اما دوش خاصی در مدیریت دولتی مطرح نشده است و بیشتر در مؤسسات بازرگانی کوچک به کار گرفته می‌شود. اما نتایج تحقیق بورگلمن (Burgelman, 1985) نشان داد که متغیرهای کارآفرینی در شرکت‌های بازرگانی بزرگ نیز به کار برده شده است. اما از اواسط دهه ۱۹۹۰ موضوع کاربرد کارآفرینی در بخش دولتی متفاوت از بخش بازرگانی مطرح شد که به ایجاد چهارچوب‌های ظهور کارآفرینی در بخش دولتی انجامید (Sadler, 2000).

کارآفرینی در بخش دولتی

بخش دولتی، نهادت، پاسخگویی و اهداف متفاوت از بخش خصوصی دارد و مفروضات تقلبیلی از بخش خصوصی در معرض منظره جدی است. پایه و اساس این مفهوم و گسترش آن از افرادی مثل بورین، فوستر، گراهام، تارگر و بویت^(۱۰) فراهم آورده. بخش عمومی اغلب تصور می‌شود مجموعه‌ای است بوروکراتیک، محافظه کار، و غیرشفاف، و این تصویر باعث می‌شود که نتیجه گرفته شود که بخش دولتی نمی‌تواند کارآفرین باشد. گرچه بخش دولتی مخالف کارآفرینی نیست اما ساختار سنتی و بوروکراسی، ارزش‌ها و کاربردهای سنتی دارد. اصلاحات اخیر کاربردهای بوروکراتیک این امکان را فراهم ساخته

داکت (Dackett) معتقد بود که دولت‌های بهره‌جو در فعالیت‌های شرکت می‌کنند که با به دست آوردن سهم یا سود سازگار باشد. البته فعالیت‌های دولت‌های بهره‌جو صرفاً بهبود نیست بلکه ناشی از رقابت بین گروه‌ها، رایزنی و یا تفریق و مقررات است (Zweig, 2000).

موضوع دیگری که در تئوری مداخله دولت، در ابتدای پیدایش اقتصاد نئو کلاسیک، از آن غفلت شده بود و افرادی مثل شادگ و رودریک (Chang & Rodric, 1994) و هاردینو (Hardino, 1997) به سرعت در متون اقتصادی فلسفی مطرح کردند. * شناخت مشکل اطلاعات در تصمیم‌گیری است. * این موضوع برای اولین بار در دیدگاه‌های سایمون تحت عنوان عقلانیت محدود به میان آمد و دانشمندان اقتصادی با استفاده از این مفهوم به این نتیجه رسیدند که دولت می‌تواند به عنوان ماشینی در نظر گرفته شود که با محدودیت درک و محاسبات انسانی، محیط پیچیده، نامطمینانی روبه‌روست. به عبارت دیگر، دولت مؤسسه‌ای است که تلاش می‌کند مشکلات هماهنگی در بازار را رفع کند اما دیدگاه هماهنگ‌کننده بودن دولت یک حلقه ولقیه است و مداخله دولت زمانی ضرورت دارد که بازار در هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی ناتوان باشد. جنبه خلاق، پویا، و پیش‌کنشی رهبری دولت عمدتاً به فراموشی سپرده شده است و در صورت بحث در خصوص مداخله و کارآفرینی، آثار منفی از لیبیل به هم زدن مکتبسم نیست، نشوین تولید غیر موثر و مفید، و رفاه خواری مورد نظر بوده است. نکته قابل توجه این است که پس از ظهور کشورهای آسیایی صنعتی شده‌ن چون مثل (اکره، جنوبی، تایوان و سنگاپور)، دانشمندان سیاسی مانند جاسون، ویدیا، و هندرسون^(۱۱) مفاهیمی از لیبیل دولت‌های توسعه، اقتصاد بازار جهت‌دار و اقتصاد منطقی برنام‌ریزی شده را برای نقش این گونه دولت‌ها به کار بردند. اما این مفاهیم برای نشان دادن ویژگی‌های مهم اقتصاد موفق آسیایی که در آنها دولت‌ها نقش رهبری در صنعتی شدن داشتند کافی نیست. یو (Yu) رشد اقتصادی کشورهای صنعتی شده‌نیز آسیایی

گرفته شود.

نویسنده گلی از لیبیل راهمورنی، کودن‌انوال، پسرلن^(۱۲) اظهار می‌دارند که کاربرد رفتار کارآفرینانه نامزدتاسب و تطبیق با محیط بخش عمومی است. تلاش برای جستجوی کارآفرینی در بخش عمومی منجر به غلبه بر موقع خاص این بخش خواهد شد. این مشکلات شامل موارد ذیل است:

- ۱- تعدد و ابهام در هدف‌ها که منجر به نالوانی مدیریت می‌شود؛
- ۲- محدودیت اختیار در مدیریت که منجر به کاهش نوآوری می‌شود؛
- ۳- نفعاتی غلبی زیاد که منجر به رفتار مدیریتی محتاطانه می‌شود؛
- ۴- سیستم‌های پاداش نادرست که منجر به کاهش ریسک‌پذیری می‌شود؛
- ۵- جهت‌گیری کوتاه‌مدت که منجر به کاهش دیدگاه‌های بلندمدت و ابتکارهای کارآفرینانه با آثار طولانی مدت می‌شود؛
- ۶- سیاست‌های پولی محدودکننده که منجر به کاهش نوآوری رهبران برای واکنش‌کننده کلان می‌شود. برت، فورست و دیگران^(۱۳) مرامل دیگری را در کار لگیزهای سود شناسایی کردند که منجر به برکنجیدن تعهد کارآفرینی عمومی می‌شود. آنها استنتاج کردند که نگرش کارآفرینی در بخش عمومی مانند بخش خصوصی نیست و منکی به گرایش رفتاری فردی نیست اما مبتنی بر غولست گروهی در سازمان‌ها برای تغییر، سازگاری، نوآوری و استقبال از ریسک است و کیفیت و لگیزهای شخصی نیست به انگیزهای سطح جمعی و نهادی اهمیت کثری دارد. (Sadler, 2000).

ماهیت فعالیت دولت

دانشمندان اقتصادی نئو کلاسیک از مجله آستر و سیلور^(۱۴) دولت را مؤسسه عرضه‌کننده مهم در ارائه خدمات و کالاها عمومی و تفریق می‌دانستند و همچنین معتقد بودند که مؤسسات دولتی حق دارند که اقتصاد را تعدیل و در راستای افزودن بودجه‌هایشان تلاش کنند. بر این اساس، رفتار مبتنی بر "دولت بهره‌جو"^(۱۵) منجر به افزایش ناتوانی دولت می‌شود. (Tony Fu; Lai yu, 2001).

اصلی نیست اما راه حل دوستانه سال گذشته بوده است. بوروکراسی حلقه‌ای است که سازمان‌های سستی را به هم وصل می‌کند و مشکل اصلی این است که به عنوان پیک راه حل به صورت فرایند تفکیک شده باقی مانده است. پیک راه برای حذف بوروکراسی، کم کردن تفکیک عمودی سازمان و مهندسی مجدد فرایندهاست به صورتی که کاهش هزینه و پاسخگویی را به دنبال داشته باشد.

پیتر دراکر معتقد است که برای پاسخگویی به مردم و تغییرات محیطی، باید در باره دولت تفکری متفاوت داشت. ۱- دوست نیست که بگوییم شغل اصلی مدیریت اداره سازمان است زیرا این فرض باعث تمایز ناقص بین مدیریت و کارآفرینی می‌شود.

۲- در عصر اطلاعاتی، اطلاعات، اطلاعات خلط و زیاد به مدیریت تحصیل می‌شود، اما اطلاعات محیط خارج سازمان باید به صورت سیستماتیک و قابل استفاده به مدیریت برسد.

۳- درک و محاسبه کردن عوامل و متغیرهای خارجی که عامل ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی است در بخش دولتی نیز مصداق دارد.

بنابراین دولت‌ها به طور فزاینده با محیط‌های سیاسی، اقتصادی، و اجزای در حال تغییر روبه روهستند. در چنین محیطی، برای سوئز واقع شدن نگرش کارآفرینی داشتن برنامه‌ها و راه حل‌ها ضروری است (Blake, 1999).

الگوی دولت کارآفرین

تئوری دولت کارآفرین گرفته شده از تئوری مؤسسه اقتصادی شوکتزین^(۱) است و اجزای تئوری دولت کارآفرین مبتنی بر فعالیت سستی، کشف فرصت‌ها، یادگیری، بررسی و تجدید نظر برنامه‌ها، و حذف اشتباهات است. اقتصاددانان نئوکلاسیک استرالیایی، مانند جیک، ون سائیز^(۲) وضعیت ناطیقینی کامل را نیز اضافه می‌کنند و می‌گویند که کارآفرینان حرارت خارجی را درک و برنامه‌هایی را مطابق تجربه و دانش خود فرمول‌بندی می‌کنند و پس از تجدید نظر اشتباهات را کاهش می‌دهند.

را با مفهوم دولت کارآفرین تشریح کرد (Tony Fu : Lai, Yu, 2001).

دیدگاه شهروندان به دولت

دولت‌ها به نظر می‌رسد که با سرعت کثری از دنیای بازرگانی حرکت می‌کنند. فرایند تصمیم‌گیری در دولت پیچیده است و سرعت کثری دارد و اغلب دلیل آن را احتیاط، تدبیه کردن، و کنترل‌های مجدد می‌دانند. اما شهروندان وقتی سازمان‌های دولتی و بازرگانی را مقایسه می‌کنند، انتظار دارند که عملکرد سازمان‌های دولتی نسبت به سازمان‌های خصوصی بهتر باشد. شهروندان سازمان‌های دولتی را موظف و مسئول می‌دانند، اما بر خلاف انتظار، پاسخگویی و تصمیم‌گیری ساعت‌ها، روزها و ماه‌ها طول می‌کشد. شهروندان انتظار دارند که دولت‌شان از هر سازمانی پاسخگوتر و موثرتر باشد، حتی المنقول دولت باید تلاش کند تا آنجایی که امکان دارد همانند بخش بازرگانی عمل نماید (Tom Fetzer, 2000).

خواسته‌های شهروندان از یک طرف و تغییرات عمیق در جوامع، فشار شهروندان و مواجه شدن با تکنولوژی جدید دولت‌ها و سازمان‌های دولتی را مجبور کرده است به جای اینکه ارائه دهنده صرف خدمات باشند به عنوان پیک مجموعه مدیریت عمل کنند.

سازمان‌های خصوصی نیز مانند بخش دولتی با تغییرات مواجه‌اند اما در این سیستم نوآوری مستمر در قالب رفتارهای کارآفرینی پاسخ مناسبی را ارائه می‌دهد. در سازمان‌های دولتی، نوآوری و خلاقیت در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد و مدیریت برپا به عنوان پیک سبک‌مدیریتی آن گونه که در جوامع سوئز و کارآ و اطلاعات گرا و در سازمان‌های منطقی و پاسخگو وجود دارد در بخش دولتی حاکم نیست.

جیمز شاپی^(۳) توضیح می‌دهد که سازمان‌هایی که به طور جد، بوروکراسی را به عنوان پشته اصلی برای رسیدن به هدف نگه می‌دارند در اشتباه هستند. بوروکراسی مشکل

مؤسسات دولتی وقتی کارآفرین هستند که نسبت به تغییر هوشیار باشند، فرصت‌ها را کشف و با اقدام خلاقانه از آنها بهره‌برداری کنند. بخش دولتی لزوماً به دلایل ظاهری به خلاقیت، ملونیزاسیون، و مشتری‌مداری روی نمی‌آورد بلکه دلیل اصلی پاسخ‌گویی به تغییرات محیطی است. همچنین، کارآفرینی بخشی است به این موارد:

- دولت ناتوان (صرف نظر از بزرگی و کوچکی)
- منابع ناکافی و تخصیص نامصحیح
- اولویت‌بندی نامناسب
- پیش‌بینی رفتار شهروندان

لذا می‌توان ادعا کرد که کارآفرینی ممکن است از طریق، برورکرسی دولتی نیز محقق شود. و نمی‌توان برای دستیابی به موفقیت همه تشبیهات را به نیروهای بازاری و بخش بازرگانی تخصیص داد بلکه باید به طرف شهروندان سازمان یافته حرکت کند و به رأس هرم کنتر تزدیک شود تا بتوان در اقتصاد جهانی رقابت کرد (Higdon, 2000).

توصیه‌هایی برای کارآفرینی دولت

در دولت کارآفرین، هدف جستجوی راه‌های مدیریت مولد و کارآمد و تنها استراتژی منطقی برای حکومت‌داری خوب، جهت‌دهی به فعالیت‌های کارآفرینی است. رفتار کارآفرینی و رفتار بروکراتیک هر یک در یک طرف پیوستار با ویژگی‌های خاص خود قرار دارد لذا دولت می‌تواند موقعیت خود را به طرف رفتار کارآفرینانه تغییر دهد (Osborn, 1992). زیرا دولت نیز مانند بخش خصوصی، از نظر بعضی از ویژگی‌ها مشترکند.

- دولت دارای هدف و در جستجوی رشد و توسعه، کاهش فقر، و حفظ ثبات بازار است.
- کارگزاران بخش عمومی در فعالیت‌های آگاهانه در ولستای هدف‌های منتخب به کار گرفته می‌شوند.
- کارگزاران دولتی معتقدند که آنها از نظر قسّی روش‌های درست رسیدن به هدف را انتخاب می‌کنند گرچه در عمل ممکن است ارزش‌ها و هدف‌های

در ادما، کرزینر، ارائه‌دهنده تئوری عمل و آگاهی قسّی، مفهوم جدیدی از کارآفرینی را تشریح کرد. طبق نظر کرزینر، نقش کارآفرینان بستگی به هوشیاری آنها نسبت به فرصت‌ها دارد. هوشیاری باعث می‌شود که فرد با مؤسسه صاحب ادراک عالی از موقعیت‌های اقتصادی گردد و آن شبیه آتشی است که ایستاده می‌دهد که شکاف‌های موجود در بازار که علایم کثرتی دارند شناسایی شود و تلاش کارآفرینان در این راستا اقتصاد را به طرف موازنه و تعادل پیش می‌برد البته اگر کشف و شناسایی ناشی از فرایندهای سازمانی و قسّی در اقتصاد باشد این نوع کارآفرینی به تئوری شومیتز مربوط می‌شود.

کارآفرینی دولت مخصوصاً در زمان بحران، ناتوانی در پاسخگویی بخش خصوصی، و جلوگیری از پس روی اقتصاد اهمیت زیادی دارد. برای مثال در بحران بزرگ آمریکا، مؤسسات خصوصی اعتماد خود را از دست دادند لذا دولت روزولت برنامه‌ریزی کارآفرینانه‌ای را برای حفظ و اعتماد عمومی در پیش گرفت.

دولت بجای زاین نمونه بارز دولت کارآفرین است. از دیدگاه، بعضی از دانشمندان، دولت‌ها با وجود اطلاع از اهمیت نقش کارآفرینی، آن را قصاصاراً برای بخش خصوصی محدود می‌کنند.

لیشانکو^(۳۷) در سال ۱۹۸۸ اظهار کرد که دولت نه تنها منبع سیاست اقتصادی است بلکه کارآفرین، اهرتور، و مالک مؤسسات بازرگانی و عسّتی است و وقتی کارآفرینی را ایفا می‌کند به آن دولت کارآفرین گفته می‌شود. دولت، در این خصوص رشد، بهره‌وری، و رقابت را در اقتصاد تعریف می‌کند، فرصت‌ها را کشف و مسیر مؤسسات بازرگانی و خصوصی را نیز هموار می‌سازد (Tony, Fu, Lai Yu, 2001).

دولت نوجه کسانی را بر مسائل و فرصت‌های صنایع خاص بر اساس چشم‌اندازی بلندمدت معطوف می‌کند و بر خلاف بخش خصوصی بر مسائل عمومی از قبیل رفاه، توسعه، و ایجاد موفقیت بین‌المللی تأکید می‌کند.

انتخابی کارگزاران هافلان و صحیح نباشد.

• تمام فعالیت‌های دولت زمان‌بندی شده و بر اساس موقعیت‌ها صورت می‌گیرد (سیاست‌های متفاوت در زمان‌های متفاوت) (Fu, & Yu, 2001)

با توجه به ماهیت دولت و موارد اختلاف و تشابه متعدد بین مؤسسات دولتی و خصوصی، دولت‌ها در حوزه عملکردی خاص خودشان می‌توانند نکات زیر را در نظر گیرند تا در راستای کارآفرینی قدم بردارند.

- ۱- در دولت‌های کارآفرین تأکید بر نتیجه است تا بر فواید.
- ۲- دولت‌های کارآفرین رقابت را بین فراهم کنندگان خدمات فراهم می‌سازند.
- ۳- دولت‌های کارآفرین با کم کردن کنترل‌های بوروکراتیک، دوتولسازی شهروندان گام برمی‌دارند.
- ۴- در توزیعی عملکرد به جای داده‌ها بر ستاده‌ها تأکید می‌کند.
- ۵- مفهوم مشتری جایگزین مفهوم ارباب رجوع می‌شود.
- ۶- عکس العمل پیش‌کنشی بر فعالیت دولت حاکم می‌شود و پیشگیری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.
- ۷- مکانیسم‌های بازو بر مکانیسم‌های بوروکراتیک ترجیح داده می‌شود.

۸- از مدیریت مشارکتی و عدم تمرکز حمایت می‌شود.

۹- دولت به جای فراهم کردن خدمات و تعیین بودجه برای سازمان‌های دولتی، در جستجوی فعالیت‌های درآمدزاست و نقش کم‌کم کننده و تسهیل‌کننده برای تمامی بخش‌های کشور بازی می‌کند. (Osborn & Gaebler, 1992)

بنابراین، همان‌طور که ملاحظه شد، دولت در زمینه سبک‌های مدیریت، سیاست‌گذاری، و ارائه خدمات باید کارآفرین شود، امروزه سازمان‌های عصر اطلاعات سازمان‌های کارآفرین هستند و ساختارهای بوروکراتیک پاسخگوی شرایط جدید نیست. البته باید شرایط و فضای لازم برای رفتارهای کارآفرینی را نیز فراهم آید. (Blake, 1999)

موارد زیر توصیه‌هایی است برای تقویت این مگره رفتارها:

- ۱- در مورد کارآفرینان به نتایج تأکید کنید؛
- ۲- همانند شرکت بازرگانی، برای یافتن فرصت‌ها عمل کنید؛
- ۳- مراحل و فرایندهای کاری را برای کارآفرینی شفاف کنید؛
- ۴- با تشویق ایده‌های جناب در داخل سازمان بر فرصت‌ها تأکید کنید؛
- ۵- با دنبال کردن تحقیقات فرصت‌ها را توسعه دهید و بهبود بخشید؛
- ۶- با زمان‌بندی و به روز کردن برنامه‌ها و تخصیص منابع، فرصت‌ها را شکار کنید؛
- ۷- از وارد کردن فشارهای روزانه کاری بر کارآفرینان پرهیز کنید؛
- ۸- محیطی را فراهم آورید تا شکست‌ها نشان داده شوند و درس‌های لازم از آنها گرفته شود؛
- ۹- پیام کارآفرینی را از بالا به پایین برسانید؛
- ۱۰- برای اندازه‌گیری مخاطرات طرح‌ها و ایده‌ها، به معیارهای قدیمی تکیه نکنید.

فرایند کارآفرینی در سازمان‌های دولتی

آینده نه تنها قابل کشف است بلکه باید ایجاد شود. کارگزاران دولت باید طوری برنامه‌ریزی کنند که آینده قابل کنترل باشد، نباید برای حل مسائل اقتصادی به الگوهای از قبل تعیین شده اکتفا کنند بلکه مورد دولتی باید طوری جریان یابد که دارای مزیت باشد. طبق تئوری عامل لسانی شورتین، چهار مرحله برای کارآفرینی وجود دارد که کارآفرینان دولتی باید آنها را به کار گیرند.

۱) طرح ریزی ایده فرصت

اینکار کارآفرینی یا کشف، اساساً طرحی ذهنی است و به واسطه تصورات کارگزاران دولت به کار گرفته می‌شود.

همه رو به رو خوانند. مشکل اول، برآورد هدف‌ها و شرایط رسیدن به آنها و مشکل دوم برآورد ظرفیت‌هایشان برای اجرای فعالیت است. برای اینکه فرصت درک شده حلی شود، کارآفرینان دولتی باید درک کنند که می‌توانند آنچه به عنوان واقعیت برنامه‌ریزی شده تغییر دهند. این امر بستنی است بر یک فرض عمومی که: امروز ضرورتاً همانند دیروز است و فردا نیز مانند امروز خواهد بود.

۱) تصمیم برای قبول یک پروژه جدید

وقتی کارگزاران دولتی پروژه‌های برای اجرا در دست دارند، چگونه تصمیم‌گیری خواهند کرد. اکثر دانشمندان نئوکلاسیک برای انتخاب هر برنامه دولتی، استفاده از تجزیه و تحلیل هزینه و منفعت را توصیه می‌کنند. استفاده از این تکنیک حیرت‌انگیز است و انتخاب برنامه دولتی نه‌تنها بر اثر ترجیحات کارگزاران دولتی بر اساس تجربه و دانش آنها تعیین می‌شود. همانند فرایند کارآفرینی در بخش خصوصی، انتخاب از بین پروژه‌های متضاد برای کارگزاران دولتی به تفسیر نیاز دارد. طبق نظر لاکمن و شواتس^(۳۲)، انتخاب یک تصمیم تفسیر شده که تحت فشار زمان و عمل در یک موقعیت واقعی اتخاذ می‌شود علاوه بر حفظ فرایند تصمیم‌گیری به خودی خود آینده‌نگر نیز هست.

۵) تغییر خط مشی (پادگیری، حذف اشتباه‌ها و

بازبینی برنامه‌ها)

از نظر اقتصاددانان نئوکلاسیک، وقتی که پروژه دولتی نیمه تمام باقی می‌ماند آن را نتیجه فعالیت‌های دولت - بهره‌جو (Rent-Seeking) می‌دانند. البته این موضوع ممکن است در بعضی از موارد درست باشد اما متغیر ناطبیعتی ساختاری و نباید فراموش کرد.

کارگزاران دولتی در چنین محیطی پروژه‌های را شروع می‌کنند، در نتیجه، مشکلاتی مشابه مشکلات بخش خصوصی پیش می‌آید. در بخش دولتی برنامه‌ریزی در

یک تصور واقعی همان برنامه است. کارآفرینی دولتی در ابتدایی‌ترین مرحله از طرح ریزی ذهنی، با پروژه‌های جدید با روشی جدید جهت اجرای خط مشی، مواجه می‌شود. در این مرحله او ضرورتاً تمایل ندارد که آن پروژه یا روش را اجرا کند و قبل از آنکه تصمیم بگیرد آن را بیازماید یا نه به سادگی از نظر ذهنی ایده‌های جدید را برای پیش‌بینی آینده به کار می‌برد. ناتوانی در اجرا نشدن پروژه با روش، ناشی از تجربیات و دانش قبلی اوست.

۲) انتخاب جهت‌دار

با ورود پیچیدگی در زندگی روزمره و طرح‌های متعدد ذهنی، سؤال این است که کارگزاران دولتی چگونه می‌توانند از موقعیت‌ها استفاده و طبق برنامه انتخاب شده عمل کنند؟ گیفورد (Gifford, 1992) به این سؤال پاسخ می‌دهد و می‌گوید کارآفرینان توجه خود را به عملیات جاری و پروژه‌های آتی بر اساس جلبت نسبی هر کدام معطوف خواهند کرد، بنابراین کارگزاران دولتی طبق منافع، نیازها و گرایش موجودشان به کشف ایده‌های خود تمایل پیدا می‌کنند. آنها آگاهانه یا ناآگاهانه از پیام‌هایی که در تضاد با خواسته‌هایشان باشد دوری می‌جویند. این ایده، شیء به چیزی است که "واجب" آن را "نمایش شخصی" نامیده است.

۳) ایجاد یک فرصت

هر کسی می‌تواند در ذهن خود پروژه یا روش‌هایی را تصور کند اما هر تصورکننده‌ای ضرورتاً کارآفرین نیست. کارآفرین بودن مستلزم اجرای برنامه‌هاست. طبق نظر وایت کارآفرینان تلاش می‌کنند با یک تصور سودمند آینده‌وار سازنده تصویری که مورد نظر مشتریان باشد. به همین ترتیب، کارآفرینان دولتی سعی خواهند کرد برنامه‌هایی را فرمول‌بندی کنند که بتوانند آنها را تصور و درک نمایند. در این وضعیت، کارآفرینان بخش خصوصی یا کارگزاران

نتیجه گیری

همان طور که عنوان شد موضوع کارآفرینی ابتدا در بخش بازرگانی مطرح شد و اقتصاددانان نئو کلاسیک با دید متفاوت مابین دولت را مورد بررسی قرار دادند. خواسته‌ها و انتظارات مردم و شرایط محیطی متغیر و چاره‌ناپذیری بودوکراسی از جمله عواملی هستند که به شکل‌گیری نگرش‌های کارآفرینی در بخش دولتی منجر شد. بخصوص رشد و توسعه سریع کشورهای آسیای نوین زمینه را برای بررسی مجدد و موشکافانه اقدامات دولت‌های مذکور فراهم آورد و در جهت‌گیری بسبب نظری کارآفرینی در بخش دولتی کمک‌کننده‌ی کلیدی بود. تکامل تئوری‌های این رشته در یک دهه گذشته بوده است اما با مطالعات تطبیقی و به کارگیری تجربیات بخش بازرگانی و تطبیق آن با شرایط دولتی امکان دسترسی به بلوغ تئوری‌های کارآفرینی در بخش دولتی میسر خواهد شد. □

ذهنی موقعیت‌های مشکل‌زا بر سبب کارگزاران دولتی ماحصل تفاوت‌های موقتی است که به واسطه تجربه‌های بعدی و دانش ناقص آنها ناشی می‌شود. بنابراین، شکل‌گیری برنامه‌ها یکباره در فرایند مستمر مبادله و تبدیل نقش قرار نمی‌گیرند تا به طور موثر منجر به اقتصاد یکپارچه شوند و هر برنامه بر اثر خودش متوقف نمی‌شود بلکه نتایج جمعی یک سری از نتایج است که بر اثر تجربیات بعدی تجدید نظر می‌شود و بازبینی منبع نقش موجود آنها تلقی می‌شود. تجربه آموخته شده در برنامه‌های جاری منبع بهبود یافته‌ای برای برنامه‌های آتی است. بنابراین، شکل‌گیری برنامه‌ها فرایندی مستمر و یکی از اجزای فرایند، انتقال نقش است که در این فرایند تنها کارآفرینان و تشکر کارآفرینی می‌تواند برای بخش دولتی مفید واقع شود (Fu, & Ya, 2001).

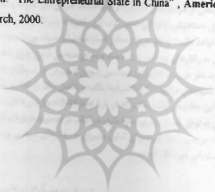
پی‌نوشتها

- (1). Verin, & Jennigs, 1994
- (2). Entrepreneur
- (3). Filion, Say, Cantilon
- (4). Say
- (5). Schumpeter
- (6). Borin, 1998; Foster, Graham, Narker, & Boyett, 1996
- (7). Mackrie, Backoff, Nutt
- (8). Pete Reith
- (9). Ramanurti, Cornwall, Perlman
- (10). Boyett, Forest, et. al, 1996
- (11). Auster, Silver, 1979
- (12). Rent- Seeking
- (13). Janson, Wade, & Handerson
- (14). James Champy
- (15). Schutzian
- (16). Hayek, & Vonmises
- (17). Lichanco
- (18). Luckmann, & Schuts, 1989

منابع

- Blake, Harris "The Return of Entrepreneurial Government", Visions, Feb., 1999.
- Fetzer, Tom; "Entrepreneurial Government is Possible", Success, June, 2000.

- Fu, Tony & Yu, Lai " Towards a Theory of the Entrepreneurial State", *International Journal of Social Economics* ,Vol. 8, No.9, 2001.
- Higdon , Loo I. , "New Model of Entrepreneurial: Key Lessons for Corporate Innovation" , Babson College, September, 2000.
- Inger, Boyett " The Public Sector Entrepreneur- A Definition" , *Int. of Entrepreneurial Behaviour Research* , Vol. 3, Issue 2, 1997.
- Osborn, David & Gaebler, Tod . *Reinventing Government* , Penguin, Group, 1992.
- Sadler, Robert J. "Corporate Entrepreneurship in the Public Sector: the Dance of the Chameleon", *Australian Journal of public Administration* , Vol. 59, Issue 2, June 2000.
- Sterc, Chan; & Clark, Cal, "State Entrepreneurship: Foreign Investment...", *Journal of Conflict Resolution* , Vol. 34, March, 1990.
- Zweig, David "The Entrepreneurial State in China", *American Political Science Review*, March, 2000.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی